

روش‌مندی در خوانش متون کلاسیک؛

بازخوانی انتقادی کتاب بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن

سیدمحسن علوی پور*

چکیده

روش‌شناسی پژوهشی و بازخوانی تجربه علمی مبدعان روش‌های مختلف برای هر پژوهشگر علوم انسانی بسیار آموزنده است. در حوزه اندیشه سیاسی نیز با توجه به تنوع روش‌شناسی‌ها و دستاوردهای آنها برای پیشبرد فعالیت‌های علمی، این امر از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در این میان، رویکردهای هرمنوتیک روش‌شناختی در دهه‌های اخیر در زمینه فهم اندیشه‌های سیاسی مورد توجه جدی قرار گرفته است و با توجه به دستاوردهای سترگ آن در این زمینه، روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. کتاب *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، یکی از آثار بسیار تاثیرگذار هرمنوتیک روش‌شناختی است که با توجه به روش‌مندی خاص نویسنده آن، کوئنتین اسکینر نه تنها داده‌ها و دیدگاه‌های ارزشمندی را درباره شکل‌گیری تفکر مدرن به دست می‌دهد، که امکان بررسی و فهم مولفه‌های روش‌شناختی رویکرد هرمنوتیکی مولف-بافتار را نیز فراهم می‌آورد. مقاله حاضر بر آن است که با بررسی مولفه‌های شکلی و محتوایی ترجمه کتاب به زبان فارسی، ضمن کاوش در بنیادهای روش‌شناختی هرمنوتیک مولف-بافتار و تبیین مولفه‌های این رویکرد روش‌شناختی - که نویسنده کتاب مبدع آن است - نوعی بازخوانی انتقادی از کتاب دو جلدی *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، به دست دهد.

کلیدواژه‌ها: متن، هرمنوتیک، مولف-بافتار، کوئنتین اسکینر، کتاب *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*.

* استادیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، alavipour@ihcs.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

۱. مقدمه

بازاندیشی انتقادی در اندیشه سیاسی مدرن و ریشه‌ها و استلزامات آن از جمله مقولات مهمی است که برای درک جهان معاصر و به دنبال آن، اتخاذ رویکردی منسجم و متکی به دانش به آن ضروری می‌نماید. کتاب *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، نوشته کوئنتین اسکینر، اندیشه‌شناس و متفکر سیاسی بریتانیایی، یکی از مهم‌ترین منابعی است که در این زمینه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اسکینر که از جمله منادیان فهم بافتارمند از تحول اندیشه سیاسی در غرب است، هم در مقام تبیین‌گر سیر تحول و هم از منظر رویکردی می‌تواند برای پژوهشگران در کشورهای غیرغربی راهنما باشد. چرا که هر اندیشه‌ای در چارچوب فضای فکری و فرهنگی خاصی شکل می‌گیرد. بنابراین، درک آن در فضای فکری و فرهنگی دیگر مستلزم مجهز بودن به لوازمی است که تفاوت‌های موجود را نیز مد نظر قرار دهد و بتوان از آن دلالت‌های کاربردی برای کاوش تاملی در وضعیت معاصر هر فرهنگ استخراج کرد. از این جهت، اهمیت کتاب اسکینر برای خواننده ایرانی نه صرفاً آشنایی با روایتی از اندیشه غربی که در ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ها جستجو می‌کند، که فهم دلالت‌ها و کاربردهای روش‌شناسی زمینه‌گرا برای کاربرد در بررسی اندیشه‌ها به ویژه میراث اندیشه سیاسی در چارچوب فرهنگی و تمدنی خویش - است. مقاله حاضر به دنبال آن است که از یک جهت، ویژگی‌ها و مبانی روش‌شناسی مولف - زمینه‌گرای کوئنتین اسکینر را تبیین کند و از سوی دیگر، با بررسی محتوایی کتاب *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، دلالت‌های عملی این روش‌شناسی را مورد بررسی قرار دهد.

۲. بررسی شکلی اثر

کوئنتین اسکینر، اندیشه‌شناس و متفکر ۷۷ ساله انگلیسی، یکی از مهم‌ترین مبدعان روش‌شناسی هرمنوتیکی مولف-بافتار در فهم اندیشه‌های سیاسی است که در دانشگاه کمبریج به تدریس و پژوهش مشغول است و مسئولیت سروراستاری مجموعه متن‌های کمبریج در تاریخ اندیشه سیاسی در انتشارات این دانشگاه را بر عهده دارد.^۱ کتاب *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، او در سال ۱۹۹۶ از سوی ضمیمه ادبی نشریه تایم (Time Literary Supplement) به عنوان یکی از صد اثر بسیار تاثیرگذار منتشره پس از جنگ جهانی دوم انتخاب شده است.^۲ این کتاب، اثر دو جلدی اسکینر است که در جلد نخست به تحولات اندیشه سیاسی در دوران رنسانس می‌پردازد و در جلد دوم، عصر دین‌پیرایی را مورد

بررسی قرار می‌دهد. انتشار متن اصلی کتاب در سال ۱۹۷۸ از سوی انتشارات دانشگاه کمبریج بوده است و ترجمه آن به زبان فارسی، پس از ۳۷ سال در سال ۱۳۹۳ از سوی انتشارات آگاه منتشر شده است. ناشر فارسی با توجه به اهمیت کتاب، تلاش شایسته‌تری برای چاپ مناسب اثر از خود نشان داده است و دو جلد را به صورت گالینکور و با کاغذهای باکیفیت آماده کرده است که در آن، اصول صفحه‌بندی و فاصله سطرها و واژگان به خوبی رعایت شده است. فهرست مطالب کتاب تفصیلی است و شامل عناوین بخش‌ها، فصل‌ها و زیرفصل‌ها می‌شود. در پایان هر جلد نیز فهرستی دوزبانه (فارسی و انگلیسی) از نام‌های مذکور در آن مجلد آمده است که راهنمای خوبی برای پژوهشگران در زمینه پیگیری آراء و اندیشه‌های متفکران به شمار می‌رود. کار مناسب دیگری که با تاسی به متن اصلی - صورت گرفته است، تفکیک منابع دست‌اول و دست‌دوم است که در پایان هر مجلد در دسترس است. در پایان نیز نمایه وجود دارد که با توجه به فقدان سنت نمایه‌نویسی در آثار فارسی، اقدام مستحسنی است و برای پژوهشگران بسیار کارگشاست. البته باید توجه داشت که در این نمایه، میان موضوعات و نام‌های اشخاص تفکیکی صورت نگرفته است و همچنین نمایه ارتباط موضوعی (ارتباط هر موضوع با دیگر موضوعات) هم وجود ندارد که امید است ناشران ایرانی در مسیر حرفه‌ای‌تر شدن آثار، اقدام مناسب برای غنای بیشتر نمایه را نیز انجام دهند. از جمله نکات جالب توجه در این زمینه آن است که در پایان هر دو جلد کتاب، نمایه مشابهی منتشر شده است که شامل موضوعات هر دو مجلد است. با توجه به اینکه فروش کتاب به صورت دوجلدی است، معلوم نیست ناشر با چه تدبیری، چندین صفحه کاملاً مشابه را در پایان هر دو جلد منتشر کرده است که علاوه بر اسراف در مصرف کاغذ، طبعاً هزینه انتشار و خرید کتاب را نیز افزایش می‌دهد.

۳. نقد محتوایی اثر

پس از بررسی شکلی اثر، لازم است کاوش در محتوا و بررسی انتقادی مطالب آن به انجام رسد. همان‌گونه که بیان شد، این کتاب نه تنها از جهت محتوا که از جهت روش‌شناختی نیز برای پژوهشگران بسیار آموزنده است. البته تردیدی نیست که با توجه به فاصله ۳۷ ساله انتشار اثر به زبان اصلی و ترجمه آن به زبان فارسی، در این دوره زمانی، آثار بسیار دیگری در ایران منتشر شده است که حتی ممکن است (با توجه به بهره‌مندی از کاوش‌های اسکینر) دستاوردهای تازه‌تری را به خواننده فارسی‌زبان عرضه کرده باشد. اما این از قدر و

منزلت اثر اسکینر به هیچ وجه نمی‌کاهد؛ چرا که بهترین راهنما برای درک استلزامات عملی روش‌شناسی وی و بررسی میزان کارآمدی این روش‌شناسی، آثار منتشره از سوی خود نویسنده است و با توجه به جایگاه برجسته کتاب در میان آثار اسکینر، قطعاً بررسی این کتاب یکی از بهترین انتخاب‌ها در این مسیر است.

اما در این میان باید به نکته مهمی دقت کرد و آن این است که صرفاً بررسی گزاره‌های کتاب بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن نمی‌تواند رهنمون به فهم کلیدهای روش‌شناختی اسکینر باشد. برای فهم این رویکرد، لازم است خود آن را در چارچوب بافتار تاریخی و سیر تحول روش‌شناختی مورد بررسی قرار دهیم و بر اساس آن، به بررسی میزان روش‌مندی و دلالت‌های آن در کتاب مورد بحث پردازیم و این کاری است که در ادامه صورت می‌پذیرد. در واقع، نخست تبیینی تاریخی-فکری از شکل‌گیری اندیشه هرمنوتیک مولف-بافتار ارائه می‌شود و سپس محتوای کتاب بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن بررسی خواهد شد.

۱.۳ هرمنوتیک و پیشینه آن

روشی که برای خوانش متون زمان‌ها و مکان‌های دیگر در اینجا معرفی می‌شود، روش هرمنوتیکی مولف-بافتار است. این روش تحقیق، روشی است که کوییتن اسکینر در فهم متون ارائه می‌کند و استفاده از آن می‌تواند ما را به فهم مناسب معنای متن رهنمون شود. اما پیش از معرفی این روش و نحوه به‌کارگیری آن، لازم است مواردی درباره خود «هرمنوتیک» و گونه‌های مختلف آن و همچنین برخی مسائل مهمی که در آن باید مورد توجه جدی قرار گیرد، نکاتی را مطرح نماییم.

هرمنوتیک یعنی نظریه و عمل تاویل (واینسهایمر، ۱۳۸۱: ۱۵). ریشه این واژه، چنان که پالم (۱۳۷۷: ۱۹) می‌گوید، در فعل یونانی «هرمینوین»، به معنای «تاویل کردن»، نهفته است. این کلمه خود اشاره‌ای است به «هرمایوس» یا «هرمس» که نام خدای پیام‌آور تیزپای یونان باستان است. یونانیان، هرمس را کاشف خط و زبان می‌دانستند و با توجه به اهمیتی که این دو در انتقال معنا و همچنین فهم انسان از آن دارند، نام هرمس را با «قابل درک و فهم کردن» هر آنچه برای آدمی نامفهوم است، پیوند دادند (ر.ک. همان: ۲۰). در میان رویکردهای هرمنوتیک، دو رویکرد روش‌شناختی و فلسفی اهمیت به‌سزایی دارند. هرمنوتیک فلسفی از جمله انواع هرمنوتیکی است که جایگاه مقوله زبان در فهم و تفسیر را بسیار برجسته می‌کند

که اینجا جای پرداختن بدان نیست و می‌توان به آثار دیگر در این زمینه رجوع کرد (ن.ک.): برای نمونه: کربای، ۱۳۷۹؛ هوی، ۱۳۸۵). در اینجا با توجه به ماهیت کار اسکینر بر آنیم که هرمنوتیک روش‌شناختی او را مورد بررسی قرار دهیم.

دغدغه اساسی اسکینر، پاسخگویی به این سوال است که در تلاش برای فهم یک متن، اتخاذ چه رویکردی مناسب است؟ در روش‌شناسی اسکینر، فهم متن با اتکا بر «کنش زبانی» (Linguistic Action) صورت می‌پذیرد. مطابق این شیوه، گفتار ضرورتاً همواره صرفاً برای بیان یک واقعیت به کار نمی‌رود، بلکه علاوه بر آن، در مواردی می‌تواند برای انجام عمل و یا ایجاد تاثیر خاص در مخاطب نیز مورد استفاده قرار گیرد. به بیان دیگر، ما سه نوع کنش گفتاری را می‌توانیم از یکدیگر تمیز دهیم: بیانی محض، مقصودرسان و کارگر (اسکینر، ۲۰۰۲: ۱۴۹).

تاکید اسکینر، از میان این سه نوع کنش گفتاری، بر کنش گفتاری مقصودرسان است و روش‌شناسی خود را نیز بر آن بنا می‌نهد. مسئله محوری در کنش گفتاری آن است که گوینده یا نویسنده هر گفتار با بیان یا نگارش آن، کاری را انجام می‌دهد و از انجام آن کار نیز مقصودی دارد. بر این اساس، فهم یک گزاره، مستلزم فهم آن است که چرا این گزاره مطرح شده است (همان: ۱۱۵). از اینرو، مسئله مهم در تفسیر، کشف همین قصد و منظور است. او، با بیان اینکه غایت نهایی از تفسیر هر متنی، آن است که استنباطی معنادار را از آن استخراج نماییم، نسبت به خطری هشدار می‌دهد که عموماً فیلسوفان هنر بدان تمایل دارند و آن تلاش برای دستیابی به «خوانش درست» متن است؛ خوانشی که نه تنها ناشی از خامی و ساده‌انگاری است، بلکه با اعلام دستیابی به معنای نهایی متن می‌تواند مانع از بروز هر خوانش و تفسیر بدیلی از آن شود. در مقابل، اسکینر با استناد به هیرش (ن.ک.: هیرش، ۱۳۹۵) معتقد است اساساً تفسیر را می‌توان به «دستیابی به پیام متن» و در نتیجه رمزگشایی از آن و روش ساختن‌اش تعریف نمود، و بر این اساس خوانشی که می‌توانیم در پی آن باشیم، «بهترین خوانش» است که همواره امکان ارائه خوانش‌های بهتر را تضمین می‌کند. این امر مستلزم آن است که مفسر صرفاً به خوانش متن متکی نباشد، بلکه از آن فراتر رود و لایه‌های درونی‌تر و دیگر عوامل موثر بر نگارش متن را نیز مورد توجه قرار دهد؛ به عبارت دیگر او می‌بایست در پس آن، انگیزه‌ها و نیت مولف و بافتار اجتماعی و زبانی نگارش متن را نیز جستجو نماید (اسکینر، ۱۹۸۸: ۶۹).

البته باید توجه داشت که اسکینر میان انگیزه (motive) و نیت (intention) مولف تمایز قائل می‌شود و این تمایز نقش مهمی را در پی‌ریزی روش‌شناسی وی دارد. اگرچه آگاهی یافتن به انگیزه و نیت، هر دو، همانا دانستن آن است که چه رابطه‌ای میان نویسنده و متنی که نگاشته است، برقرار می‌شود (اسکینر، ۲۰۰۲: ۹۶)؛ با این حال

آگاهی بر نیت آن است که واقعیت‌هایی مانند اینکه آیا نویسنده در حال طنزپردازی است یا به جدیت سخن می‌گوید - یا به طور کلی کنش‌های گفتاری‌ای را که او در هنگام نوشتن اعمال می‌کند - را بدانیم. [در حالی که] آگاهی بر انگیزه همانا دانستن آن چیزی است که [نویسنده] را به آن کنش گفتاری خاص برانگیخته است، فارغ از خصوصیت‌ها یا میزان بهره‌مندی آن از حقیقت (همان).

از سوی دیگر، در روش‌شناسی اسکینر، واقعیات اجتماعی و زبانی‌ای که در بافتار اجتماعی تولید شده و مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تنها می‌تواند به مثابه بخشی از یک اقدام زبانی گسترده‌تر در نظر گرفته شود که چارچوبی فراهم می‌آورد که در دل این چارچوب می‌توان دریافت که در یک جامعه معین، چه معانی و مفاهیم قابل‌شناسایی مرسوم موجود بوده است که استفاده از آنها برای کسی که (مانند نویسنده) قصد برقراری ارتباط را داشته است، ممکن می‌شود. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که از آنجا که هر متنی با هدف اقناع مخاطب در زمانه خاص خویش نگاشته می‌شود، اگرچه در حوزه‌هایی ممکن است حامل ایده‌های انقلابی باشد، اما در هر حال به دنبال مشروعیت بخشیدن به کنش‌هایی است که این امر تنها با ارجاع به مفاهیم و زبان مورد قبول اجتماع میسر می‌شود. لذا تنها با بازسازی و بازآفرینی این فضا و قرار گرفتن در آن است که هم معنای متن و روابط بین عبارات مختلف درون آن فضا و هم قصد نویسنده از نوشتن متن - به عنوان یک عمل ارتباطی - را می‌توان دریافت (همان: ۱۵۰).

اگرچه این فرض نشان می‌دهد که اسکینر در روش‌شناسی خود سویه‌های جدی نسبی‌گرایانه دارد، اما این نسبی‌گرایی مطلق نیست و امکان فهم در بافتارهای مختلف را منکر نمی‌شود. به تعبیر دیگر، او تاکید دارد که سوال‌های مشابهی می‌تواند در زمان‌های مختلف مطرح شده و پاسخ‌هایی برای آن ارائه شود؛ اما در هر حال، از آنجا که این پاسخ‌ها، کلمات مشروعیت‌بخشی را مورد استفاده قرار می‌دهد که در آن زمانه خاص در بافتار قابل فهم و پذیرش بوده است، فهم آن در زمانه‌های دیگر نیز باید با هوشیاری نسبت به این مولفه مهم صورت بپذیرد (همان: ۱۴۸). این در حالی است که قائل بودن به وجود نوعی

عقلانیت در متن، که در بافتار تولید آن، شرایط لازم برای پذیرش‌اش را فراهم می‌آورده است، این امکان را برای شارح یا پژوهشگر فراهم می‌آورد که متن را در زمانه و جغرافیای دیگر نیز مورد فهم قرار دهد و دلالت‌های درونی آن را بازیابی کند (همان: ۳۱) - و این کاری است که او خود در کتاب‌اش با عنوان *عقل و خطابه در فلسفه هابز* (۲۰۰۴ [۱۹۹۶]) به‌خوبی از عهده آن برآمده است.

در واقع، در این صورت می‌توان دریافت که موقعیت کنونی ما به هیچ وجه موقعیت ممتاز و یا بهترین موقعیت برای بررسی آثار و اندیشه‌های گذشته نیست. چرا که اساسا بسیاری از مفاهیم و استدلال‌های رایج در زمان حاضر، اساسا در جوامع گذشته مطرح نبوده‌اند و لذا تنها با قرار دادن هر متن در ظرف زمانی و مکانی خاص آن است که می‌توان پیام و معنای واقعی آنها را دریافت (اسکینر، ۲۰۰۲: ۴۰-۳۲). در نتیجه «ما باید بیاموزیم که تفکر خودمان را برای خودمان انجام دهیم» (همان: ۶۶).

در مجموع می‌توان گفت که بر طبق روش‌شناسی اسکینر، برای فهم اندیشه‌های سیاسی یک اندیشمند هم باید گفتمان سیاسی مسلط بر جامعه و زمانه وی را شناخت و هم باید قصد و نیت آن اندیشمند برای برقراری ارتباط در چنین گفتمانی را دریافت. شناخت گفتمان سیاسی مسلط بر هر جامعه در هر دوره تاریخی نیز مستلزم عوامل متعددی است که در نقش اجزای متشکله آن به‌شمار می‌روند. از جمله این اجزا می‌توان به مشکلات و پرسش‌های سیاسی مطرح‌شده در آن دوره و نیز پاسخ‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده به آنها را نام برد. وی در توضیح این مطلب در مقدمه کتاب *ماکیاولی* (۱۳۸۰) می‌گوید:

استدلال من این خواهد بود که برای فهم نظریه‌ها و تعالیم ماکیاولی، باید مشکلاتی را از لابلای غبار زمان باز و آشکار کنیم که او بوضوح در دو کتاب *شهریار* و *گفتارها* و سایر نوشته‌های خود در باب فلسفه سیاسی، خویشتن را با آنها روبرو می‌دیده است. و اما برای اینکه به چنین دیدگاهی برسیم، لازم است محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده بازآفرینی کنیم: یعنی محیط فکری فلسفه یونان و روم و فلسفه رنسانس و همچنین محیط سیاسی زندگی در دولت‌شهرهای ایتالیا در اوایل سده شانزدهم (اسکینر، ۱۳۸۰: ۱۷).

بر همین اساس است که در آثار اسکینر در درجه نخست باید روایتی تاریخی و جزئی‌نگر از تحولات عصر و زمانه زیستی متفکر و همچنین برخی رخدادهای تاریخ‌ساز شخصی که زندگی متفکر را شاید زیر و رو کرده باشد را انتظار بکشیم. این روایت در

مواردی شاید برای خواننده سه ویژه خواننده غیرمتخصص - زیاده‌گویی و بیان بیش از اندازه داده‌ها و اطلاعات تاریخی در نظر بیاید؛ اما برای کسانی که روش تاریخ‌خوانی اسکینر را مطلوب می‌انگارند و چون خواننده‌ای صبور با او همگام می‌شوند، نه تنها به افزایش اطلاعات تاریخی رهنمون می‌شود، که کارگاهی روش‌شناختی است که می‌تواند در بازخوانی میراث تفکر سیاسی در هر فرهنگ و ساختار اجتماعی‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

۲.۳ کتاب «بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن»

از همان میانه قرن دوازدهم، مورخ آلمانی اوتوی فرایزینگی اذعان داشت که شکل تازه و قابل توجهی از سازمان اجتماعی و سیاسی در شمال ایتالیا ظهور کرده است. خصیصه‌ای که وی تذکر داد این بود که جامعه ایتالیا ظاهراً دیگر خصلت فئودالی ندارد (اسکینر، ۱۳۹۳ الف: ۳۳).

این جمله آغازین جلد نخست کتابی است که اسکینر در تبیین بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن به نگارش درآورده است. در واقع، سوال این است در شمال ایتالیا در آن زمان چه رخ داده بود که یک مورخ آلمانی را به تامل در شرایط ظهور یک ساختار سیاسی و اجتماعی نوین رهنمون شد. در خلاصه‌ترین بیان باید گفت اسکینر در این مجلد به دنبال پاسخی است برای این سوال و البته طرح این سوال از آن جهت اهمیت دارد که مولف می‌خواهد از آن برای دستیابی به بنیادهای تحول‌اندیشگانی در اروپایی قرون میانی دست یابد. در واقع، اسکینر به خوبی آگاه است که ظهور دوران مدرن و اندیشه سیاسی مترتب بر آن، نه امری دفعی که حاصل یک سیر تحول تاریخی اندیشه‌ای است و از این جهت برای درک درست آن لازم است تا نخستین جرقه‌های تحول در نظام سیاسی و اجتماعی پیشین عقب برویم و دریابیم که چگونه نخستین جرقه‌های تحول در آن روشن شد. اما نکته قابل توجه در این میان آن است که اسکینر در همین کار نیز رویکردی مخصوص به خویش را انتخاب می‌کند که مبتنی است بر خوانش تحولات نه صرفاً از معبر آثار اندیشه سیاسی، که بر پایه درک تحولات واقعی تاریخی در عرصه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری و سازمان‌دهی اجتماعی! و این رسالتی است که وی در آثار متعدد خود از جمله سه جلد پیش‌های دربارہ سیاست (۲۰۰۲)، و مجموعه‌ای که در انتشار آن مشارکت داشته است شامل دو جلد جمهوری‌خواهی (۲۰۰۲) و کتاب دولت‌ها و شهروندان (۲۰۰۳) - بر عهده خویش می‌بیند و حتی در دو اثر اخیرالذکر نیز با وجود آنکه در نقش ویراستار تنها یکی از نویسندگان

مجموعه به شمار می‌رود، اما نحوه چیش و انتخاب عناوین فصل‌ها و مقالات به خوبی نشان می‌دهد که وی در طرحی روشن و صریح به دنبال آن است که این پیوند و انضمامِ تفکر و بافت سیاسی و اجتماعی معاصر را مورد تاکید قرار دهد.

جلد نخست کتاب همان‌گونه که از زیرعنوان آن پیداست معطوف است به بازخوانی تحولات منتهی به رنسانس بزرگ اروپایی که اوج آن را در اندیشه سیاسی می‌توان در اندیشه‌های متفکر و اندرزنامه‌نویس بزرگ ایتالیایی، نیکولو ماکیاولی مشاهده کرد. شاید اگر خود را جای اسکینر بگذاریم، آنچه ذهن ما را مشغول خواهد کرد آن است که ماکیاولی در چه بافتار سیاسی و اجتماعی و با بهره‌گیری از چه تحولات فکری و اندیشگانی در عرصه سیاسی توانست به سطحی از تفکر دست یابد که با نگارش کتاب *شهریار* (۱۳۸۸)، روزگاری نوین را در تاریخ اندیشه سیاسی غرب رقم زند. اسکینر در پاسخ بدین سوال، نوعی بازخوانی دیالکتیکی از جابجایی قدرت در ایتالیا در قرون منتهی به عصر ماکیاولی به دست می‌دهد که در آن، عرصه‌های مختلفی از زندگی اجتماعی که می‌تواند به نقش‌آفرینی افراد در عرصه‌های سیاسی و سیاستگذاری‌های اجتماعی رهنمون شود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر این اساس، این عصر نه تنها عصر معارضة و جای‌نشینی‌های پیاپی جمهوری‌خواهی و شهریار در رگنوم‌های (مناطق مستقل سیاسی) ایتالیاست، که عصر آزمون معرفت‌های مختلف بشری در بررسی میزان توانمندی و تاثیرگذاری آنها بر تحولات در عرصه قدرت سیاسی نیز هست که در نهایت، ساختار قدرت را از فرد به نهاد (دولت مدرن) انتقال می‌دهد و این گوهر آن چیزی است که نویسنده دلمشغول آن است. در نتیجه، نه تنها بررسی تحولات تاریخی در بخش‌های مختلف ایتالیا و نشان دادن تمایزهای شمال-جنوب در تاسی به شیوه‌های عمومی یا اختصاصی قدرت منظور نظر این کتاب است، که محوریت یافتن فضیلت «آزادی» و تبدیل شدن آن به آرمان مرکزی گفتمان جمهوری‌خواهی با بررسی سیر تطور معنایی آن و مقصودی که متفکران در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف سیاسی، جغرافیایی از آن در نظر داشته‌اند نیز در این اثر به خوبی نمایان است.

همان‌گونه که بیان شد برای این منظور، اسکینر در آغاز فصل نخست جلد اول به سراغ یکی از مورخان آلمانی قرن دوازدهم (اوتوی فرایزینگی) می‌رود و از رهگذر گزارش تاریخی او، به بحث بنیادین خود درباره «آرمان آزادی» در ایتالیا در آستانه رنسانس وارد می‌شود. در واقع، اسکینر نمی‌خواهد با روی آوردن به فرا-واقعیت‌ها، رخدادهای اندیشه

سیاسی را مورد کاوش قرار دهد. او بر آن است که دریابد در زیر پوست تحولات سیاسی کلان، چه رخدادهایی در عرصه‌های جامعه‌شناسی سیاسی در حال وقوع است که می‌توان با اتکا به آنها به فهم بنیادهای تحول اندیشه سیاسی دست یافت. پس به جای آنکه به سراغ مورخان نام‌آور برود، ترجیح می‌دهد داده‌های خود را از معبر متونی کسب کند که زیر-تحولات اجتماعی و سیاسی را از منظری خردتر مورد بررسی قرار داده‌اند. انتخاب فرایزنگی، که مورخ سرشناسی نیست، نه از سر ناچاری و کمبود اطلاعات درباره آن دوره تاریخی، که مبتنی بر رویکرد روش‌شناختی مختار اسکینر است که جستجو را از متونی آغاز می‌کند که مبنای شکل‌گیری متون بزرگ تاریخی است.

بر همین اساس، اسکینر در ادامه کار خود نیز علاوه بر بهره‌گیری از متن‌های تاریخ‌نگارانه (عموما محلی)، متون تولید شده در حوزه اندیشه سیاسی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد تا ضمن بازیابی پیوندهای فکری میان آنها، به درک ژرف‌انگارانه از تحول معنایی واژگان و گزاره‌های اندیشه سیاسی دست یابد. در واقع، چنان‌که به عنوان نمونه در فصل نخست قابل مشاهده است، اسکینر برای فهم مفهوم مقصود از ایده «آزادی» در این دوره تاریخی، متون متعدد تاریخی و اندیشه‌ای را کاوش می‌کند تا در نهایت درمی‌یابد که «آزادی» در این زمان در نگاه متفکران حوزه اندیشه سیاسی معنایی دوگانه داشته است که شامل «استقلال سیاسی» و «خودگردانی جمهوری‌وار» می‌شود و در نخستین آنها، تن ندادن به حکومت و اقتدار امپراتوران و پاپ مد نظر اهالی شهرهای مختلف ایتالیای شمالی در آن زمان بوده است و در دومی، جلوگیری از دیکتاتوری حاکمان شهری از طریق لوازمی مانند دوره‌ای کردن حکومت‌ها و یا به‌کارگیری حاکمان از افراد غیربومی به عنوان راه‌حلی برای حفظ آزادی در نظر گرفته می‌شد که این خود مبنایی بنیادین برای فهم چگونگی انتقال مفهوم قدرت از فرد به نهاد دولت در عصر رنسانس و تثبیت آن در دوران مدرن به دست می‌دهد (ر.ک.: همان: فصل نخست). اما این رویکرد روشی تنها به بازخوانی تحولات و متون مربوط به موضوعات خاص محدود نمی‌شود و اسکینر لوازمی که برای چنین تحولی لازم است را نیز در نظر می‌گیرد. بر همین اساس، هم در این فصل و هم در فصل‌های بعدی کتاب شاهد آن هستیم که تحول در عرصه فهم حقوق‌دانان از اقتضائات قانون‌نویسی حکومتی و همچنین مواردی مانند رویکردهای بدیل در آیین‌های نامه‌نگاری دیوانی و یا فهم نوین در پژوهش‌های مربوط به کتاب مقدس و فهم حقوق انسانی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد و با اتکا به گزارش‌های ارائه‌شده در این زمینه در فصول مختلف که حوزه‌های

معرفتی متنوعی از آیین‌های نگارش زبانی و بلاغت و فصاحت سخنوری گرفته تا رساله‌های اندیشه سیاسی و متون حقوقی و کلامی را در بر می‌گیرد، سیر تطور اندیشه سیاسی در اروپا در آستانه رنسانس و نقطه اوج آن در عرصه تفکر سیاسی، یعنی نگارش کتاب شه‌ریار ماکیاوولی تبیین می‌شود (همان: ۶-۱۹۴).

در چنین چارچوبی است که فهم معنای «ویرتوس» - که آن را می‌توان مهم‌ترین فضیلت حکمران مطلوب دانست - نزد متفکری مانند ماکیاوولی آسان‌تر می‌شود. او مان‌یست‌ها در بازیابی فهم سیسرون از این مفهوم، سه مفروض را دریافتند:

نخست اینکه در واقع، رسیدن به این والاترین منزلت برای انسان ممکن است؛ سپس اینکه روند درست آموزش در رسیدن به این هدف امری اساسی است؛ و سرانجام اینکه محتوای چنین آموزشی باید متمرکز بر تحصیل مرتبط بلاغت و فلسفه باستان باشد (همان: ۱۶۱)

و این مقولات در آثار متفکران پیشا از ماکیاوولی به شیوه‌های گوناگون مورد تاکید قرار گرفته بود و همانند وی، دیگرانی نیز بودند که ضمن تاکید بر نقشی که الهه بخت می‌تواند بر تقدیر حاکم - چه مثبت و چه منفی - بگذارند، شه‌ریار شایسته را کسی معرفی می‌کردند که «فقط به یاری ویرتوس... بر دسیسه‌های تقدیر چیره شود و به افتخار و شکوه و شهرت نائل آید» (همان: ۲۱۱).

ماکیاوولی با درک آنچه در این آثار مورد تاکید قرار گرفته است، همانند دیگر او مان‌یست‌ها، مفهوم ویرتوس را در «پشت‌گرمی به خویش و هنر خویش» معنا می‌کند و ضمن جای دادن این معنا در «حکومت مقتدرانه یک فرد واحد»، تاکید می‌کند که باید به چنین حکومتی تن داد تا «در شرایط فساد سیاسی پیشرفته... ویرتوی اصیل کشور را بازگرداند» (همان: ۱۵-۲۱۳). اما ویرتوی چنین فردی با ویرتوی شه‌روندان عادی متفاوت است و «ویرتوس فرمانروا نیروی شگرف خلاق و کلید «حفظ کشورش» انگاشته می‌شود که او را قادر می‌سازد دشمنان‌اش را فرو کوبد. شایستگی عمده مردم [عادی] اما نوعاً در تمایل آنها به انفعال مطلوب است» و بر همین اساس، ماکیاوولی فرمانروای ویرتوس را کسی می‌داند که «با تدبیر و شیوه‌های مقتضی «شه‌روندان‌اش را همواره و در هر شرایطی وابسته به خود» نگاه دارد و عادت به وفاداری را در آنان تقویت کند تا مطمئن شود که به وقت ضرورت همواره به او وفادار خواهند بود» (همان: ۱۸-۲۱۷).

اسکینر با این بازخوانی بافتاری از فضای نگارش شه‌ریار ماکیاوللی بر آن است که هم این اسطوره نادرست - در زمانه نگارش کتاب - که بر آن بود که «کتاب ماکیاوللی به تمامی منحصر به فرد است» (همان: ۲۲۲) و آن را باید از تمامی مقولات پیش از خود متمایز شمرد را به چالش کشد و هم ویژگی‌های تفکر ماکیاوللی که وی را در میان هم‌متایان خویش بی‌بدیل می‌کند را تبیین نماید. به تعبیر اسکینر

فقط با مشخص کردن زمینه دقیق فکری که وی [ماکیاوللی] در آن می‌نوشت می‌توان به این شناخت امیدوار بود که وی چه مواردی را و تا چه حد، در میراث اومانستی خود در واقع می‌خواست زیر سوال برد و رد کند (همان: ۲۲۳)

و این کاری است که اسکینر در ادامه جلد نخست کتاب به دنبال انجام آن است و آن را از طریق هم‌نشینی اثر ماکیاوللی با دیگر اندرزنانه‌های معاصر و همچنین بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای آن با دیگر رویکردهای اومانستی آن دوران - از جمله رویکرد «اتویا» بی‌مد نظر توماس مور - صورت می‌دهد و از این منظر، فهمی بدیل از موقعیت کلی اومانست‌ها در دوران پایانی قرون میانی و طلوعه رنسانس ایتالیایی ارائه می‌کند که می‌تواند خود به عنوان مقدمه‌ای برای درک چگونگی تحول اندیشه سیاسی در دوران مدرن مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی در زمان نگارش این کتاب (که بیان شد چهل سال از آن می‌گذرد) البته رویکردی نو و تاثیرگذار و جریان‌ساز بود که البته توانست به راستی تحولی را در فهم تاریخ‌نگاران اندیشه سیاسی در دهه‌های اخیر ایجاد نماید و از این منظر، شاید بسیاری از دستاوردهای کتاب، برای خواننده فارسی‌زبان چندان جدید نباشد. اما آنچه کتاب را همچنان ارزشمند نگاه می‌دارد، ظرفیت‌های روش‌شناختی آن برای دانشجویان و پژوهشگرانی است که در آغاز راه کاوش در تاریخ تفکر سیاسی، درکی ژرف‌انگارانه را طلب می‌کنند و امیدوارند با اکتشافات خویش، همانند اسکینر، پرتوی نوین بر فهم جامعه علمی ایران از این مقولات بیفشانند. از این منظر، شاید باید تاسف خورد که چرا این کتاب اینقدر دیر به فارسی ترجمه شده است و شاید اگر چنین کاری به موقع انجام می‌شد، دانشجویان ایرانی می‌توانستند گام‌های موثرتری را در زمینه فهم اندیشه سیاسی اسلامی و ایرانی در طول دهه‌های اخیر بردارند. در هر حال، هنوز هم برای بهره‌مندی روش‌شناختی از این کتاب دیر نیست.

اسکینر در جلد دوم کتاب نیز همانند جلد نخست، رویکردی بدیل‌جویانه را برگزیده است و باز هم بر آن است که فهمی تا آن زمان نامانوس، اما مبتنی بر شواهد و مستندات که

کمتر مورد توجه قرار گرفته بود، از تفکر اروپایی در عصر دین‌پیرایی به دست دهد. موضوع محوری در این مجلد نیز همانند جلد نخست، بازیابی ریشه‌های تفکر مدرن به گونه‌ای است که تا زمان نگارش کتاب چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. در واقع، اسکینر بر خلاف بسیاری از شارحان هم‌عصر خویش بر آن است که نشان دهد نه تنها تفکر مدرن، انقطاعی بلافصل از تفکر قرون میانی را نشان نمی‌دهد، که اتفاقاً حاصل تاملاتی است که در پویه‌های فکری این عصر رخ داده است و توانسته با مقابله انطباقی این تفکر با آنچه از پیشینیان و متفکران یونانی باز مانده است، به دستاوردهای جدیدی دست یابد که طلیعه مدرنیته حاصل آن است و مهم‌ترین هسته آنرا شاید بتوان در برآمدن ایده جدایی دین از سیاست از دل اندیشه‌ای کاملاً دینی (لوتر) دانست.

بخش یکم این جلد مشخصاً به ظهور مارتین لوتر، مبدع جریان پروتستانی در چارچوب مسیحیت می‌پردازد. انتخاب لوتر از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد تا چه اندازه، دین‌پیرایی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی با فراز و نشیب همراه بوده است و متفکری چون لوتر که با پرهیز از سوگیری‌های سیاسی بر آن بود مسیحیت را به مثابه یک دین از فشارها و آثار سوء سیاست‌گرایی در میان عالمان و رهبانان نجات دهد، چگونه در عمل ناگزیر از پرداختن به سیاست، حکومت و نسبت اعضای جامعه با قدرت شد. در این زمینه نیز باز هم اسکینر، متن را با نگارش جمله‌ای الهام‌بخش آغاز می‌کند تا نشان دهد آنچه در کتاب با آن مواجه خواهیم بود، سخنی متفاوت از شرح‌هایی است که تا کنون از شکل‌گیری جنبش پروتستانیسم شاهد بوده‌ایم (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۱). با چنین رویکردی، نویسنده با ابتدا بر نوشته‌های لوتر و به ویژه زندگی‌نامه خودنوشت وی - نقطه آغازین تحول عمیق لوتر و عزم او برای پیرایش در دین مسیح را به زعم خویش درمی‌یابد. طبعاً در چنین موقعیتی از شارحی چون اسکینر، با رویکرد روشی خاص وی، انتظار آن است که این نقطه عزیمت را در نسبت انضمامی وی با تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر پیوند زند. اما شگفت آن است که وی، از ظهور «ناگهانی» یک اندیشه نوین در اثر نوعی کشف و شهود در مارتین لوتر خبر می‌دهد و می‌گوید: «این لحظه ظاهراً وقتی فرا رسید که او در اتاق بالای برج صومعه ویتنبرگ سرگرم وظیفه این‌جهانی و دانشگاهی آماده‌سازی درس‌گفتارهای تازه‌اش بود. در حال خواندن و تامل در مزامیر بود که ناگاه تعبیری یک‌سر نو از آیه حساس مزمور سی و یکم او را در هم پیچید:» [در عدل خویش مرا نجات بده]» (همان: ۱۸). نویسنده در اینجا توضیح می‌دهد که چگونه لوتر با

خوانش این آیه بر مبنای فضل و رحمت الهی، امکان نجات‌یابی انسان‌ها را -که تا آن زمان سخت با آن مخالف بود- در آینه رحمت الهی بر گناهکاران و «نجات دادن آنان از خطاکاری» ممکن می‌انگارد و این دیدگاه از زبان مارتین لوتری مطرح می‌شود که یکی از انتقادات عمده‌اش به کلیسای کاتولیک و دستگاه پاپی، ترویج ایده امکان کسب آمرزش برای انسان‌های گناهکار است. در حالی که در نگاه لوتری، انسان‌ها به واسطه گناهکار به دنیا آمدن، تا ابد از خطا و گناه نمی‌توانند بر حذر باشند و تعالیم کلیسایی مبنی بر فروش آمرزش به مومنان، جز ترویج اباطیل به منظور کسب درآمد دنیوی برای کلیسا نیست. بر این اساس، آنچه لوتر را از آباء کلیسا متمایز می‌سازد توجه آن به این نکته است که پالودگی بندگان، هرگز نمی‌تواند ذاتی آنها باشد و تنها عرض و «حقانیتی خارجی است که بر ما، نه به سبب اعمال مان، بلکه فقط از روی رحمت نازل شده است» و از این روی «مومن همواره در آن واحد، گناهکار و آمرزیده شمرده می‌شود. گناهان‌اش هرگز زائل نمی‌شوند، اما ایمان‌اش سبب می‌شود که علیه وی به حساب نیایند» (همان: ۲۰). این مقدمه‌ای است برای آنکه بتوان در نهضت لوتری، میان دین و سیاست نیز تفکیک قائل شد؛ بدین صورت که از یک سو، تلاش برای جلب آمرزش خداوندی به عنوان یک امر روحانی محدود به «جماعت مومنان» می‌شود، در کنار نگاه لوتر به «کلیسا» به مثابه «جمع مومنان» و اینکه در چنین جمعی «اباید اندکی فریب‌کاری و ریا باشد ... [که بگوییم] پاپ و اسقف و کشیشان راهبان طبقه روحانی اند، در حالی که شاهان و بزرگان و کشاورزان طبقه ناسوتی‌اند» (همان: ۲۴)، اقتدار روحانیت در سروری در امور مختلفه حیات بشری را زیر سوال می‌برد، و از سوی دیگر با توجه به اقتضائات زندگی دنیوی که مربوط به امور شهروندی و پادشاهان است، مشروعیت پاپ برای تعیین تکلیف برای پادشاهان و به ویژه «ادعای مقامات کلیسا در مورد صلاحیت قضایی در امور دنیوی» (همان: ۲۷) نیز مورد تردید است. با این حساب، به خوبی روشن می‌شود که چرا اسکینر در پرداختن به بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن، در کنار مجلدی که ظهور رویکرد ماکیاولیستی در سیاست را مورد بررسی قرار می‌دهد، مجلد دیگر را محدود به مقوله ظهور دین‌پیرایی در اروپای همین دوران می‌کند. به باور اسکینر، این رویکرد «نه تنها لوتر را به حمله به قدرت‌های قانونی کلیسا واداشت، بلکه او را به پر کردن خلا قدرت حاصل از آن از طریق دفاع متقابل از مقامات دنیوی ناگزیر کرد» (همان: ۲۹). در واقع، با خوانش تطبیقی آنچه در دو مجلد کتاب آمده است، خواننده به خوبی درمی‌یابد که چگونه پویه‌های سنت فکری قرون میانی، در کنار پویه‌های درونی دین

مسیحی، زمینه‌های لازم را برای ظهور نوعی فکر سیاسی که در آن، مولفه‌هایی مانند سکولاریسم، اقتدار دولت و شکل‌گیری دولت مطلقه مدرن، اندیشه قراردادی بودن اجتماع و تبعات آن برای پدید آمدن دولت‌های مشروطه و دموکراتیک به عنوان مولفه‌های اصلی به شمار می‌آیند، فراهم آورد و میوه آن در اندیشه متفکرانی مانند توماس هابز، جان لاک و ژان ژاک روسو به ثمر نشست.

آنچه در تبیین جزئیات این فرایند در مجلد دوم قابل مشاهده است، بازخوانی اسکینر از سیر تحول اندیشه‌های کلامی مارتین لوتر، ظهور و گسترش لوتر آیینی، اندیشه‌هایی که متقابلاً در دفاع از کاتولیسیسم و رد پروتستانتیسم لوتری در اروپا شکل گرفت، تحولات کاتولیسیسم برای مهیا ساختن خویش در این نبرد و در نهایت، برآمدن اندیشه کالون است که با به وجود آوردن نخستین دولت دین‌پیرا در ژنو که مبتنی بر -شاید بتوان گفت- اولین انقلاب مدرن تاریخ بود، را شامل می‌شود. در این بازخوانی، نویسنده به خوبی نشان می‌دهد که چگونه -برای نمونه- در حالی که لوتر در ابتدا در مقابله با روحانیون کاتولیک، نظریه ضرورت تبعیت مطلق از فرامین پادشاه مقتدر را تجویز می‌کرد و مدعی بود «هیچ کوششی برای راه انداختن اقلب سیاسی معذور یا موجه نخواهد بود» (همان: ۳۴)، در فرایند گسترش لوتر آیینی در اروپا و در برابر فشارهای پادشاهان مدافع کلیسا، جان‌شینان وی، مجوز مقاومت در برابر اقتدار دنیوی را صادر می‌کنند و در آن، «فکر «مقاومت قهرآمیز» در برابر امپراتور، سرانجام و به صراحت توجیه» می‌شود (همان: ۳۰۲) و همین امر زمینه‌های ظهور اندیشه رادیکال انقلابی لوتری را در کالون فراهم می‌آورد تا اعلام کند «اگر مردم «یاری خداوند را استدعا کنند»، خداوند شاید گاهی با برانگیختن «دادجویانی علنی از میان بندگان‌اش»، مسلح کردن‌شان «به فرمان خود برای مجازات حکومت تبه‌کار و رهاندن امت خویش، که به ناروا سرکوب می‌شوند، از بلیه و خیم [حکومت ناصالح] پاسخ دهد» (همان: ۲۹۴). دادجویانی که کالون خود را یکی از آنان می‌دانست و با راه‌اندازی جمهوری ژنو که در آن برای نخستین بار «عنصری دنیوی و مشروطیت‌خواه به مبحث اقتدار سیاسی» اضافه کرد و عنوان کرد که در حکومت می‌بایست «متصدیانی منتخب با مسئولیت مستقیم در برابر انتخاب‌کنندگان خود» مشارکت داشته باشند (همان: ۳۵۸)، تلاش کرد آن را به منصفانه ظهور برساند. فارغ از میزان موفقیت کالون در تحقق این هدف، تاثیر کالون‌نویسم در شکل‌گیری اندیشه سیاسی مدرن قابل انکار نیست و اسکینر نیز در فصل‌های پایانی کتاب به خوبی به این امر می‌پردازد و به عنوان مثال نشان می‌دهد که چگونه هوگنوت‌های متأثر از کالون در

جنگ‌های مذهبی فرانسه، به این باور رسیدند که «اگر دین راستین عبارت از پرستش خالصانه ذات باری است... قانون طبیعت برای رستگاری انسان کفایت می‌کند» (همان: ۳۷۹) و ایده مقاومت در برابر حاکم ناصالح وی نیز در رساله دوم در باب حکومت جان لاک، به عنوان مبنایی برای تعیین نسبت حاکم و شهروندان عمل کرد (همان: ۸-۳۶۷).

بر همین اساس است که اسکینر مدعی می‌شود برای درک بنیادهای ایدئولوژی مدرن انقلابی می‌توان با فهم اینکه چگونه «مفهوم وظیفه دینی در برابر مقاومت» در اندیشه لوتری به «مفهوم مدرن و دقیقاً سیاسی حق اخلاقی مقاومت» تحول یافت و چگونه این تحول نخست در جنگ‌های مذهبی فرانسه و سپس در میان کالونیست‌های هلندی و در نهایت در انقلاب دهه ۱۶۴۰ انگلستان، به بنیادی برای شکل‌گیری دولت مشروطه مدرن مبدل شد، عمل کرد و وی نیز در سرتاسر جلد دوم کتاب بر آن است که این نکته را از خلال فهم متون کلامی و سیاسی این دوران بر پایه بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی‌ای که به ظهور جریان‌های نوین دینی در چارچوب مسیحیت رهنمون شد و در پی آن، جنگ‌های مذهبی دامنه‌داری را میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها به وجود آورد تا زمره‌های ضرورت‌مدارا با یکدیگر، از معبر مدارای دینی و پایبندی به قواعد دنیوی و مبتنی بر حقوق موضوعه در سامان‌یابی سیاسی آغاز شود، درک و تبیین نماید.

۴. نقد ترجمه

درباره ترجمه کتاب هم باید گفت با توجه به سنگینی مطالب موجود در متن، روان بودن ترجمه یکی از نقاط مثبت این کتاب است که خواننده را درگیر نکات غامض در زبان فارسی نمی‌کند و تلاش دارد روان و سلیس بحث‌ها را ترجمه کند. خواندن متن لذت‌بخش است و آنچه مد نظر نویسنده است به خوبی از طریق ترجمه خوب منتقل شده است. اثر با دقت خاصی ویرایش شده است و همان‌طور که مترجم در مقدمه خود نیز اشاره کرده است، ویرایش متن با دقتی در خور تحسین و از سوی افراد آگاه در این زمینه صورت گرفته است تا ویراستاری حرفه‌ای و مبتنی بر دانش تخصصی باشد که این نکته جای تحسین دارد.

البته باید توجه داشت که میزان اصطلاحات لاتین به کار رفته در اثر بسیار زیاد است و نویسنده با استفاده از کلماتی که در همان عصر و موقعیت جغرافیایی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، تلاش می‌کند بحث خود را به گونه‌ای پیش برد که در طول کاوش‌های

خود، فهم جامعی را از موضوع به خواننده عرضه کند. این روش البته برای خواننده آشنا با زبان (مانند زبان ایتالیایی یا لاتین) و یا دست‌کم مسلط به زبان‌های ریشه‌دار در زبان لاتین مانند انگلیسی و فرانسوی مفید است، اما برای خواننده فارسی زبان که با معانی کلی مورد انتظار برای هر مفهوم آشنایی قبلی ندارد، بسیار دشوار خواهد بود که در طول متن بتواند فهمی از یک مفهوم به دست آورد. بر همین اساس، به خصوص بسیاری از مفاهیم ایتالیایی به کار رفته در جای جای جلد اول و همچنین اصطلاحات لاتین زبانی که در فصل‌های مختلف جلد دوم (عموماً با دیکته لاتین) عرضه شده است، برای خواننده فارسی زبان دشواریاب است که انتظار می‌رود مترجم، برای آنها پانوشته مبسوطی را ارائه کند تا خواننده بتواند با اتکا به آن پانوشته، از همان آغاز طرح مفهوم، با معنای کلی آن همراه شود.

۵. جمع‌بندی و بحث نهایی

هرمنوتیک از جمله مقولاتی است که در علوم انسانی هم در مقام فلسفه و هم در مقام روش مورد توجه جدی قرار می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف توانسته است فهم‌های بدیلی را از موقعیت‌های مختلف بشری ارائه نماید. بر همین اساس، در طول دهه‌های اخیر میزان گرایش به این رویکرد در میان اندیشمندان علوم انسانی گسترش قابل توجهی پیدا کرده است و بسیاری از پژوهشگران در پژوهش‌هایی که مبتنی بر خوانش متون است، به آن روی می‌آورند.

کوئنتین اسکینر نیز از جمله کسانی است که در چارچوب همین سنت هرمنوتیکی جای می‌گیرد. اما فهم او از هرمنوتیک روشی، فهمی گسترده‌تر است که با اتکا به آن می‌توان برداشتی جامع‌تر را از نیت مولف و در نتیجه محتوای متن به دست آورد. مهم‌ترین مولفه‌ای که رویکرد اسکینر را متمایز می‌کند توجه او به جنبه‌های کنشی گفتار است که در متن متجلی می‌شود. در واقع، در نگاه او، نویسنده متن در هنگام نوشتن آن در حال انجام کاری نیز هست و به دنبال اثرگذاری بر جهانی است که در آن می‌زیست. بنابراین، لازم است در تلاش برای فهم نیت او از نگارش متن، بافتاری که او در آن می‌توانست را نیز مورد ارزیابی و بررسی قرار دهیم تا بتوانیم به آن چیزی را دریابیم که احتمالاً او قصد داشته است به واسطه نگارش متن به جهان بیرونی عرضه نماید. بر این اساس، هرمنوتیک مولف-بافتاری اسکینر الگوی روش‌شناختی‌ای را به دست می‌دهد که بهره‌گیری از آن راهنما به

یافتن ارتباط هر متن با بافتار اجتماعی و سیاسی‌ای است که آن متن در آن به نگارش درمی‌آید و در نتیجه می‌تواند نه تنها از میزان راهگشایی آن برای زمانه مذکور خبر دهد، نسبت آن با زمانه پژوهشگر و کنش‌های گفتاری‌ای که در هر بافتار می‌تواند عرضه نماید را نیز مشخص می‌کند.

کتاب دو جلدی *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، از جمله آثار مهمی است که امکان فهم انضمامی و عملی دستاوردهای رویکردی اسکینری را برای خواننده فراهم می‌آورد و به بیان دیگر، آزمایشگاهی را برای پژوهشگر علم سیاست ترتیب می‌دهد که در آن، به‌کارگیری مولفه‌های مد نظر اسکینر برای فهم هرمنوتیکی آثار و اندیشه‌های سیاسی ملموس شود. در این کتاب، هر فصل به گونه‌ای طراحی شده است که در آغاز، شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و سیاسی هدایت‌گر به شکل‌گیری یک اندیشه یا رویکرد سیاسی خاص را تبیین کند و در ادامه نشان دهد که شکل‌گیری این اندیشه در میان اندیشمندان آن عصر به چه صورتی بوده است. نسبت اندیشه‌های مختلف در موقعیت‌های مختلف فرهنگی و جغرافیایی اروپای هر عصر نیز از جمله امتیازات کتاب است که آن‌را در طی فصول مختلف هر جلد به خوبی روشن می‌سازد و بر پایه آن خواننده می‌تواند فهمی کلی و فراگیر از اندیشه سیاسی در مناطق مختلف جغرافیایی در اروپا در طی هزاره اخیر به دست بیاورد. در واقع، نویسنده به خوبی در تمامی فصل‌ها آگاهانه تمامی مولفه‌های موثر بر اهمیت‌یابی مفاهیم و همچنین معانی مقصود از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد و به روشنی نشان می‌دهد که چگونه این مفاهیم در کنار یکدیگر توانسته‌اند در طول تاریخ مدرن، اندیشه سیاسی این دوران را شکل دهند.

در نتیجه، برای خواننده، به ویژه خواننده‌ای که به تحصیل یا پژوهش در کرانه‌های اندیشه سیاسی مشغول است، کتاب حاضر می‌تواند سرنخ‌های ارزشمندی را هم از جهت روش‌شناسی تحلیل و تبیین اندیشه‌ها به دست دهد و هم تصویری جامع و قابل فهم از مبانی اندیشه‌ورزی سیاسی مدرن فراچنگ آورد. نویسنده اثر بر آن است که برای فهم اندیشه‌های سیاسی و چگونگی شکل‌گیری بنیادهای اجتماع سیاسی مدرن، لازم است تفسیری از اندیشه‌های برساننده این اجتماع به دست داد که مبتنی بر فهم عصرانی از مقولات باشد و نمی‌توان با کنار گذاشتن نویسنده از متن، صرفاً فهمی سوژه محور و مبتنی بر دانش خواننده را مبنا قرار داد و نه می‌توان فراموش کرد که نویسنده این متن را برای

عرضه به جامعه خاصی که در آن زمان و مکان و در چارچوب آن فرهنگ و زبان می‌اندیشیده و می‌زیسته است، به نگارش درمی‌آورد.

با این حال، باید توجه داشت همین که این کتاب بسیار مهم پس از ۴۰ سال از زمان نگارش به فارسی ترجمه شده است و اساساً کوئنتین اسکینر به عنوان یکی از مهم‌ترین پیشگامان روش‌شناسی تفسیری در فهم اندیشه‌های سیاسی تنها چند سالی است که به مرور در میان دانشگاهیان و دانشجویان و پژوهشگران علوم انسانی کشورمان جای خود را باز می‌کند. این امر مع‌الاسف نشان دهنده آن است که تا چه حد می‌توان از جهت روزآمدی اطلاعات و داده‌ها در جامعه خودمان انتظار داشت. در واقع، باز هم مع‌الاسف، واقعیت آن است که همین کتاب با وجود عمر طولانی‌ای که از آن می‌گذرد (و از سن بسیاری از خوانندگان‌اش حتی بیشتر است) برای خواننده ایرانی هنوز نکات ارزشمند و نوینی دارد که می‌تواند راهگشای پژوهشگری در این عرصه باشد و باید خدای را شاکر بود که دست‌کم در این زمان، ترجمه‌ای از این اثر به زبان فارسی وجود دارد و می‌تواند به عنوان دست‌کم راهنمایی روش‌شناختی - در عرصه عملی - برای پژوهشگران اندیشه سیاسی در کشور باشد. در واقع، بهره‌گیری از آن به عنوان چارچوبی روش‌شناختی می‌تواند کمک موثری را برای درک اندیشه سیاسی اسلامی در طول تاریخ و در شرایط سیاسی و جغرافیایی مختلف به دست دهد. امری که در سال‌های اخیر نیز رواج یافته است و پس از انتشار ترجمه‌ای از یکی از مقالات اسکینر در یکی از مجلات در اواخر دهه ۱۳۸۰ و همچنین ترجمه کتاب *مکایوللی* اثر همین نویسنده و همچنین انجام چندین پژوهش دانشگاهی در طول سال‌های اخیر در دانشگاه‌های مهم کشور، کم‌کم جایگاه اسکینر و روش‌شناسی او در حال تثبیت شدن است و از آن برای فهم بهتر اندیشه اسلامی استفاده می‌شود که این امر را باید به فال نیک گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک:

<https://www.cambridge.org/core/series/cambridge-texts-in-the-history-of-political-thought/CC1E9888A90FEA2D68B4CF40E7F7A1E7>

۲. نک:

<http://www.sonic.net/~rteeter/grttls.html>

کتاب‌نامه

- اسکینز، کوئنتین (۱۳۸۰)، *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ چهارم، تهران، انتشارات طرح‌نو.
- (۱۳۹۳ الف)، *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، جلد اول: رنسانس، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه.
- (۱۳۹۳ ب)، *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، جلد دوم: عصر دین‌پیرایی، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه.
- پالمر، ریچارد ال. (۱۳۷۷)، *علم هرمنوتیک*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، چاپ اول، تهران، انتشارات هرمس.
- کربای، آنتونی (۱۳۷۷)، *درآمدی بر هرمنوتیک*، ترجمه بابک احمدی و دیگران، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۸۸)، *شهریار*، ترجمه داریوش آشوری، چاپ دوم، تهران، نشر آگه.
- مرتضوی، سیدخدیار (۱۳۸۶)، تبیین روش‌شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوئنتین اسکینز، در: *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال سوم، شماره اول؛ صص. ۱۹۱-۱۵۹.
- وایسنهایمر، جوئل (۱۳۸۱)، *هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی*، ترجمه مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس.
- هرش، اریک د. (۱۳۹۵)، *اعتبار در تفسیر*، ترجمه محمدحسین مختاری، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت.
- هولاب، رابرت (۱۳۸۳)، *یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- هوی، دیوید ک. (۱۳۸۵)، *حلقه انتقادی*، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ اول، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- Skinner, Quentin (1987a), *The Foundations of Modern Political Thought*, Vol. 1: The Renaissance, Cambridge, Cambridge University Press.
- (1987b), *The Foundations of Modern Political Thought*, Vol. 1: The Age of Reformation, Cambridge, Cambridge University Press.
- (1988), *Motives, intentions and the interpretation of texts*, in: 'James Tully (1988), *Meaning and Context*', New Jersey, Princeton university press, pp. 68-78.
- (2002a), *Visions of Politics*, Vol. 1, Regarding Method, New York, Cambridge University Press.
- (2002b), *Visions of Politics*, Vol. 2, Renaissance Virtue, New York, Cambridge University Press.
- (2002c), *Visions of Politics*, Vol. 3, Hobbes and Civil Science, New York, Cambridge University Press.

روش‌مندی در خوانش متون کلاسیک؛ ... ۲۲۳

Skinner, Quentin & Strath, Bo (2003), *States and Citizens*, Cambridge, Cambridge University Press.

----- (2004 [1996]), *Reason and Rhetoric in the Philosophy of Hobbes*, New York, Cambridge university Press.

Van Gelderen, Martin & Skinner, Quentin (2002a), *Republicanism*, Vol. 1, Republicanism and Constitutionalism in Early Modern Europe, Cambridge, Cambridge University Press.

----- (2002b), *Republicanism*, Vol. 2, The Values of Republicanism Early Modern Europe, Cambridge, Cambridge University Press.

